

مطالعه جامعه‌شناختی هویت قومی نوجوانان شهر زاهدان

و تأثیر ابعاد مذهبی، ملی و غرب‌گرایانه بر آن

مطالعات جامعه‌شناختی

(علمی - پژوهشی)

دوره ۲۹، شماره یک: ۴۵۷-۴۲۹

شاپا ۲۸۰۹-۱۰۱۰

نمابه در ISC

محمود علی‌گو^۱

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

مجید موحد مجد

استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه شیراز

محمدتقی ایمان

استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه شیراز

منصور طبیعی

استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه شیراز

پذیرش ۱۴۰۰/۱۲/۲۲

دریافت ۱۴۰۰/۵/۳۱

چکیده

مقوله هویت در بسیاری از کشورها از جمله ایران، مقوله واحدی نیست و متأثر از منابع هویتی گوناگون است که گاهی تضاد و کشاکش آن‌ها با یکدیگر موجب نگرانی‌هایی شده است؛ از این‌روی، به تناسب پدیده‌هایی که انسان از طریق آن‌ها خود را می‌شناسد و به دیگران می‌شناساند، می‌توان هویت داشت. از هویت می‌توان به‌عنوان پسوندهای پدیده‌هایی چون فرهنگ، قومیت، ملیت، دین، محل سکونت، ایل، طایفه و نظایر آن استفاده کرد. این پژوهش به منظور بررسی نسبت هویت قومی با ابعاد هویتی در میان دانش‌آموزان شهر زاهدان انجام شده است. نمونه پژوهش را تعداد ۴۰۰ نفر از دانش‌آموزان دختر و پسر شاغل به تحصیل در شهر زاهدان تشکیل می‌دهند که داده‌های آن از طریق پرسشنامه گردآوری شده است. یافته‌های پژوهش نشانگر آن است که بین هویت قومی و ابعاد آن یعنی هویت ملی و هویت دینی و هویت جهانی رابطه معناداری وجود دارد البته این رابطه مثبت و مستقیم است و همچنین هویت دینی بیشترین رابطه را دارد و پس از آن هویت ملی کمترین رابطه را نیز با هویت جهانی دارد. پسران در این مطالعه از سطح بالاتری نسبت به دختران در دارا بودن هویت‌های مذکور قرار دارند. از نکات اصلی در بررسی هویت در منطقه سیستان و بلوچستان توجه به مسئله حاشیه‌بودن است حاشیه‌بودن چنان بر هویت مردمان آن منطقه تأثیرگذار است که تصور از این هویت بدون توجه به لایه‌های متعدد حاشیه‌بودن ممکن نخواهد بود با توجه به یافته‌های پژوهش هویت دینی از سایر عوامل در تبیین هویت قومی تأثیرگذارتر است و در اصل مهم‌ترین عامل تبیین‌کننده هویت قومی است و دو عامل قومیت و مذهب به‌عنوان تفاوت‌های جدی قوم بلوچ و منطقه سیستان و بلوچستان از مابقی کشور می‌باشد همان‌طور که چارچوب نظری پژوهش تبیین می‌کند هویت دانش‌آموزان منطقه سیستان و بلوچستان تحت تأثیر ساخت‌های اجتماعی، فرهنگی می‌باشد.

واژگان کلیدی: هویت قومی، هویت دینی، هویت ملی، هویت جهانی، دانش‌آموزان، جنسیت

^۱ پست الکترونیکی نویسندهٔ رابط، mmmajd@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

هویت از جمله مهم‌ترین مباحث قرن اخیر محسوب می‌گردد. اگرچه تاریخ مسئله هویت را می‌توان هم-ارز با تاریخ عمر بشر دانست، اما طرح علمی و پررنگ‌شدن مسئله هویت از ویژگی‌های جوامع مدرن محسوب می‌گردد. بسط مفهوم جهانی‌شدن، رشد تکنولوژی‌های ارتباطی، دگرگونی‌های اقتصادی و پدیده مهاجرت در دنیای کنونی باعث تغییرات اساسی در جوامع گردیده است. این تغییرات، تمام پهنه حیات اجتماعی را درنوردیده است. تغییراتی که نه تنها در گروه‌ها و شبکه‌هایی که افراد هویت‌هایشان را در آنها متبلور می‌بینند، بلکه در ساخت جوامع که به این گروه‌ها و شبکه‌ها امکان ظهور و بروز می‌دهد، راه یافته است. هویت که عمدتاً تعیین‌کننده بود، اینکه دائماً در تغییر و تحول است. مسائل حوزه هویت نیز چون دیگر پدیده‌های اجتماعی معاصر جهانی است و بنابراین تنها گریبانگیر کشورهای پیشرفته نمی‌شود بلکه عمده‌ترین معضل پیش روی کشورهای درحال توسعه نیز به حساب می‌آید (دوران، ۱۳۸۳: ۵۳). از این منظر می‌توان گفت که هویت به‌عنوان پدیده‌ای که دامنه آن از خصوصی‌ترین تجربیات فردی تا عمومی‌ترین حوزه‌های اجتماعی را دربرمی‌گیرد حاصل دیالکتیک خود و دیگری بوده که در میان طیفی از شبکه معنایی ذهن و ساختارهای اجتماعی و فرهنگی در حرکتی رفت و برگشتی قرار می‌گیرد و بر این مبنای نسبتی میان دو سر طیف دست می‌یابد، نسبتی که ثابت نبوده و هر آن ممکن است تغییر کند تغییری که نه تنها از خود (شبکه معنایی) بلکه از دیگری (ساختار اجتماعی) نیز ناشی می‌شود (همان). زندگی اجتماعی انسان بدون وجود راهی برای دانستن اینکه دیگران کیستند و بدون نوعی درک از اینکه خود ما کیستیم غیرقابل تصور است. بر همین اساس هیچ یک از ما قادر نمی‌بود با دیگری نسبت معنادار یا سازگاری برقرار کند؛ در واقع بدون هویت، جامعه‌ای در کار نیست (عبداللهی، ۱۳۸۱: ۱۶). بنابراین مقوله هویت برای هرگونه حیات اجتماعی، هم در سطح فردی و هم در سطح گروهی، یک ضرورت بنیادین است.

این موضوع در جامعه‌هایی مانند ایران که تغییرات فرهنگی در کنار میراث و سنت فرهنگی غنی‌ای وجود دارد، اهمیت بسیاری دارد. در میانه تغییرات، یکی از مهم‌ترین مسئله‌های اعضای جامعه، قطعاً هویت اجتماعی آنهاست. لذا امروزه، به طور غافلگیرانه‌ای با مسئله هویت به‌عنوان

یکی از جدی‌ترین مسائل کشور روبه‌رو هستیم و در شرایطی که یکی از نیازهای جدی جامعه ما همبستگی بالا در عرصه مختلف است، توجه به هویت و شبکه ساختاری آن بسیار حائز اهمیت و ضروری می‌باشد (عبدالهی، ۱۳۸۱: ۲۲). بر این مبنا مقوله هویت در ایران، مقوله واحدی نیست و متأثر از منابع هویتی گوناگون است که گاه تضاد و کشاکش آن‌ها با یکدیگر موجب نگرانی‌هایی شده است؛ هرچند در مجموع مطالعات نشان‌دهنده آن است که در ایران هویت یک‌دست و یک‌شکلی را نمی‌تواند انتظار داشت، زیرا جامعه ایرانی از گذشته یک جامعه متکثر و چهل‌تکه بوده است. این تکثر فرهنگی و تاریخی در ایران مانند هر کشور دیگری باعث شده است تا به تناسب پدیده‌هایی که انسان از طریق آن‌ها خود را می‌شناسد و به دیگران می‌شناساند می‌توان هویت داشت. از هویت می‌توان به‌عنوان پسوندهایی چون فرهنگ، قومیت، ملیت، دین، محل سکونت، ایل، طایفه و نظایر آن استفاده کرد (احمدی، ۱۳۸۶). اما همه متغیرهای زمینه به یک اندازه و یکسان در زمانه و زمینه مشابه عمل نمی‌کنند؛ لذا هویت را نمی‌توان ایستا در نظر گرفت. در این مقاله نیز هویت در ابعاد ملی، دینی، قومی و جهانی در نظر گرفته شده است. اما تلاش شده در قشر خاصی از جامعه یعنی نوجوانان (دانش‌آموزان) بدان پرداخته شود.

در فرایند هویت‌یابی دوره‌های نوجوانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این میان دانش‌آموزان به دلیل خصوصیات خاص سنی خود، بیشتر تحت تأثیر واقع می‌شوند و وجود شرایطی که بتواند دانش‌آموزان را یاری کند تا تصویر صحیحی از خود داشته و با واقع‌بینی و عینیت بیشتر به خود بنگرند؛ یعنی بدانند که کیستند و به دنبال چه می‌باشند از یک سو، سبب اطمینان خاطر و سلامت فکر آنها می‌گردد و از سوی دیگر قدرت تطبیق به آنها می‌بخشد، از این منظر هویت دانش‌آموزان یا اعضای نوجوان جامعه ایرانی می‌تواند مسئله مهمی برای هویت‌های درحال شکل‌گیری باشد. دوره نوجوانی دورانی است که فرد از فضای خانگی به فضای عمومی ارتباط بیشتری برقرار می‌کند و تلاشی تعمدانه و آگاهانه برای ایفای نقش و عاملیت بیشتر فرد در برساخت هویت خویش (گاه هم‌نوا و گاه ناهم‌نوا با هویت کودکی) تلاش می‌کنند.

این موضوع بیانگر یک پیچیدگی هویت است، هویت یک پدیده چندبعدی است که نمی‌توان وزن یکسانی برای همه ابعاد آن در همه زمان‌ها و زمینه‌ها قائل شد. از این منظر می‌توان از ابعاد هویتی و وزن هرکدام از آنها پرسش کرد. این مقاله نیز بر این اساس تدوین شده

است که چگونه در دانش‌آموزان/نوجوانان، ابعاد هویتی آنان شکل گرفته و همچنین چگونه یکی از ابعاد هویتی آنها بر سایر ابعاد هویتی آنها مؤثر واقع شده است. این موضوع در مورد نوجوانان دانش‌آموز اهمیت بسیاری دارد.

در این صورت لازم است به وضعیت هویتی دانش‌آموزان توجه گردد، چراکه موفقیت یا ناکامی در این مهم تا حدی نیز نمایانگر وضعیت آموزش‌ها و جامعه‌پذیری از کانال مدارس و آموزش و پرورش است. از آنجاکه عموماً بررسی‌ها و مطالعات اجتماعی ناظر به بخش‌ها و افراد مرکزی و برخوردار معطوف است و کمتر به حوزه‌های حاشیه‌ای پرداخته می‌شود از همین رو در این پژوهش به حوزه فرهنگی قومی در ایران، یعنی دانش‌آموزان شهر زاهدان که از نظر قومیتی با جامعه مرکزی متفاوت هستند و همچنین از نظر طبقه‌بندی توسعه‌یافتگی در شرایط متوسط و یا ضعیفی هستند پرداخت شده است. تأکید بر مقوله قومیت، تا حدی ناشی از اهمیت این بعد هویتی در نظام هویتی دانش‌آموزان از منظر این پژوهش است. به عبارتی پرسش اصلی این پژوهش، درباره هویت دانش‌آموزان با تأکید بر هویت قومی و نقش آن بر سایر ابعاد هویتی آنان است. پژوهش حاضر درصدد آن است که درکی ارتباطی از هویت به دست آورد و آن را به‌مثابه سازوکار کارکردی و انسجام‌بخش به ساختار نظام شبکه ذهنی و کنشی اعضای جامعه برحسب بسترها و زمینه‌های مختلف تعریف نماید. از این منظر فهم شبکه ارتباطی هویت و اولویت‌ها و برجستگی‌های آن در میان دانش‌آموزان می‌تواند مقدمه‌ای برای درک جامع الگوهای هویت ایرانی در این قشر باشد.

در نهایت در مقاله حاضر تلاش می‌شود تا سهم هر یک از ابعاد چهارگانه هویت که شامل هویت‌های ملی، قومی، دینی و جهانی می‌باشد را در بدنه قشر اجتماعی نوجوانان دانش‌آموز در حوزه فرهنگی سیستان و بلوچستان با تأکید بر شهر زاهدان معین کنیم و دیگر اینکه آیا رابطه‌ای بین هویت قومی و بقیه ابعاد هویت هست و در صورت مثبت بودن پاسخ، کیفیت این رابطه چگونه است؟

مروری بر مطالعات پیشین درباره هویت قومی

مطالعات زیادی در حوزه هویت اجتماعی در ایران انجام شده است که عموماً بر متغیرهای قومی، مذهبی، جنسیتی، تحصیلی و فرهنگی و ... تأکید کرده‌اند. آنچه در این مقاله اهمیت دارد

مطالعاتی است که با تأکید بر مؤلفه قومیت بالاخص در حوزه سیستان و بلوچستان شکل گرفته‌اند. این اولویت ناشی از آن است که در این مقاله به دنبال نقش مؤلفه قومیت بر سایر ابعاد هویتی هم هستیم. بر این اساس می‌توان تحلیلی از این مطالعات در راستای مقاله حاضر داشت. احمد نادری و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «تأملی در آرایش نیروهای اجتماعی و تحول گفتمان‌های هویت قومی در بلوچستان ایران» بیان می‌کند که چهار گروه تأثیرگذار در این منطقه عبارتند از: ۱) سردارها، خوانین و اشرافیت سنتی؛ ۲) نخبگان قومی ناسیونالیست و ملی‌گرا؛ ۳) روحانیان، موسوی‌ها و فعالان مذهبی؛ ۴) روشنفکران و فعالان مدنی و تجدیدگرا. و چهار دسته گفتمانی شناخته‌شده در این پژوهش عبارت است از: ۱) گفتمان‌های خودمحور و قوم‌گرایانه؛ ۲) گفتمان‌های ناسیونالیستی و ملی‌گرایانه؛ ۳) گفتمان‌های سیاسی-اجتماعی مذهب‌محور؛ ۴) گفتمان‌های سیاسی-اجتماعی بازاندیشانه. حسین میرزایی و محمد عباس‌زاده (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «مطالعه چگونگی تعامل هویت ملی و قومی دانشجویان مطالعه موردی دانشجویان آذری، عرب و بلوچ» بیان می‌کنند که، مقدار رابطه بین هویت ملی و هویت قومی بلوچ ۱۱ درصد بوده همچنین جهت آن مثبت و معنی‌دار بوده است. همچنین در قوم بلوچ با افزایش احساس محرومیت هویت ملی تضعیف و هویت قومی تقویت می‌شود. درنهایت بیان می‌کند که هویت‌های ملی و قومی دارای تعاملات و مناسبات مختلفی با یکدیگر هستند و دیگر اینکه نسبت هویت ملی و قومی غیرخطی است و تقویت هر یک از این ابعاد به کاهش و یا تضعیف دیگری نیست.

محمد رضا حافظ‌نیا و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «سیاست دولت و مناسبت‌های بین قومی مورد قوم بلوچ و سیستانی» به این پرسش پاسخ داده است که رفتار و برنامه‌ها و سیاست‌های دولت بر رفتار متقابل دو قوم بلوچ و سیستانی چه تأثیری داشته است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد سیاست‌های دولت از یک سو باعث ایجاد رابطه بدبینانه بین سیستانی‌ها و بلوچ‌ها شده و از سوی دیگر به واگرایی بین قوم بلوچ و دولت مرکزی کمک کرده است.

هوگ^۱ و همکاران (۲۰۱۷) درباره موضوع هویت اجتماعی و واقعیت‌های به اشتراک گذاشته تحقیق کردند؛ این پژوهش نشان می‌دهد که حالت‌های درونی مثل نگرش‌ها، احساسات، و

1 Hogg, M. A.

هیجان‌ها عموماً از طریق اعضای گروه به اشتراک گذاشته می‌شوند. همچنین انگیزه‌های عدم قطعیت از طریق تعیین گروهی به واقعیت مشترک تبدیل می‌شود. این پژوهش بر چگونگی تعریف قوانینی که به‌عنوان مبنای عضویت در اجتماع، در هویت فرد درونی‌سازی می‌شود، تأکید کرده است. برنابه^۱ و همکاران (۲۰۱۶) در یک مدل پیش‌بینی، هویت اجتماعی را با مشارکت فعال تحصیلی سنجدند. این مطالعه نشان داد که هویت گروهی پیش‌بینی‌کننده آغازگری شخصی و مشارکت فعال بوده است.

گرازجل و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «پایداری هویت ملی و غرور ملی: شواهدی از ایدر یوروپ» معتقدند که غرور ملی طیف گسترده‌ای از نتایج سیاسی-اقتصادی را پیش‌بینی می‌کند، اما آنچه مردم را به ملت خود افتخار می‌کند، کاملاً درک نشده است. نتایج نیز نشان می‌دهد که غرور ملی معاصر از جمله معاهدات اجتماعی عمیق و ریشه‌ای تاریخی برای ظهور به زمان نیاز دارند. تانتی^۲ و همکاران (۲۰۱۱) در پژوهشی به بررسی تغییرات هویت اجتماعی نوجوان مبتنی بر تغییرات بافت اجتماعی و سبک‌شناختی پرداختند. نتایج پژوهش در یک طرح تجربی و با نمونه‌ای مشتمل بر ۳۸۰ نوجوان در سه گروه (۱۲-۱۳ سال، ۱۵-۱۶ سال، ۱۸-۲۰ سال)، از طریق اندازه‌گیری استریوتایپ‌های مربوط به خود و تمایلات درون‌گروهی، نشانگر تفاوت معنادار در هویت اجتماعی میان سه گروه بود.

مروری بر مطالعات پیشین نشان می‌دهد که مسأله هویت قومی و همه ابعاد هویت از یک سو و توجه به بدنه دانش‌آموز به‌خصوص در مقطع متوسطه دوم که در دوره اولیه هویت‌یابی است و ارزش‌گذاری‌های فرد در این دوره به وقوع می‌پیوندد از سوی دیگر مغفول مانده است. اما آنچه اهمیت دارد مطالعاتی است که در زمینه هویت در سیستان و بلوچستان انجام شده است. مطالعات موجود تا حدی به مسأله هویت قومی پرداخته اند. البته لازم به ذکر است که مجموعه این پژوهش‌ها به شکاف سیاسی فی‌مابین حاکمیت و هویت قومی بلوچ اشاره می‌نماید. همچنین هویت ملی و تقابل یا عدم تقابل آن، با هویت قومی به صورت تکراری بررسی شده است. همچنین در تحقیقات خارجی نیز مسئله قومیت بلوچ مورد توجه قرار نگرفته است ولی توجه به هویت در دوره دانش‌آموزی به تعدد مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است.

1 Bernabé, M.

2 Tanti, C.

مبانی نظری: هویت اجتماعی و مؤلفه قومیت در آن

در فرهنگ جامعه‌شناسی بلک ول، هویت به معنی پنداشت نسبتاً پایدار فرد از کیستی و چیستی خود در ارتباط با افراد و گروه‌های دیگر تعریف شده که از طریق تعاملات اجتماعی فرد با دیگران در فرایند اجتماعی‌شدن تکوین می‌یابد (عبداللهی، ۱۳۸۱: ۱۰۷). تعاریفی که از هویت وجود دارد بسیار متنوع است از همین رو ملاک‌ها و معیارهای دستیابی به تعاریف از اهمیت خاصی برخوردار می‌شود. در تقسیم‌بندی نظریه‌ها و ارائه تعاریف ملاک‌هایی چون ملاحظات رشته‌ای و تخصصی و خاستگاه علمی نظریه‌ها، مدرن و پست مدرنیستی بودن آنها، سطح تحلیل هویت (فردی یا جمعی)، سطح عوامل مؤثر بر هویت، انواع تلقی‌ها درباره منشأ و محتوای هویت، نوع هویت موردنظر (قومی، ملی و ...)، توجه به کنشگر یا ساختار اجتماعی در تحلیل هویت و ... بوده است (حاجیانی، ۱۳۸۸: ۶۶).

در میان تقسیم‌بندی‌های موجود، تقسیم‌بندی مسعود عالمی قابل ملاحظه است. وی به تأسی از مجموعه نظریاتی که در حوزه هویت مطرح بوده نظریه‌ها را بر اساس دو ملاک کلی تقسیم کرده است:

۱- معیار سطح تحلیل خرد، کلان و میانه؛ به این معنی که هر نظریه هویت را در چه واحد تحلیلی بررسی و عوامل مؤثر بر آن را چگونه دیده است.

۲- معیار ریشه یا منشاء اینکه ریشه و مبنای هویت از نگاه نظرپرداز چه بوده است بر این مبنا نظریه‌ها به دو دسته منشأگرا و سازه‌گرا تقسیم شده‌اند رویکرد برساخت‌گرایی یا ابزارگرایی متأثر از نظریه تحلیل گفتمان نظریه بر ساخت اجتماعی واقعیت لوکمان و برگر و نظریه فردریک بارث و نظریه کنش متقابل نمادین می‌باشد رویکرد منشأگرایی هم که از نظریه‌های زیست‌شناختی متأثر شده است توسط کلیفورد گریتز، ادوارد شیلز، هارولد ایزاکس مطرح شده است (حاجیانی، ۱۳۸۸: ۷۴).

با توجه به رویکرد جامعه‌شناسانه این پژوهش و تحقیق برخی نظریات مرتبط به رویکرد ساخت‌گرایی و همچنین معاصر در حوزه هویت به صورت خلاصه می‌پردازیم.

رویکردهای ساختگرایانه و سازه‌گرایانه در باب هویت

ریچارد جنکینز یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان حیطه هویت است. فرض اصلی جنکینز آن است که امر یگانه فردی و مشترک جمعی را می‌توان چنان فهم کرد که مشابه یکدیگر باشند؛ هرچند هویت فردی بر تفاوت‌ها و هویت جمعی بر شباهت‌ها تأکید دارد. وی که چارچوب نظری خود را از نظریه ساختمندی^۱ گیدنز، مید، گافمن، بارث، بکر^۲، برگر^۳، لوکمن^۴، کوهن و بوردیو^۵ اخذ کرده و معتقد است: هویت اجتماعی از هویت فردی جدا نیست. یعنی در فرایندهای اجتماعی شدن اولیه و در فرایند جاری تعامل اجتماعی است که در آن چارچوب افراد در طول عمرشان خود و دیگران را تعریف و باز تعریف می‌کنند. دیالکتیک بیرونی و درونی فرایندی است که به واسطه آنها همه هویت‌ها اعم از فردی و اجتماعی ترکیب می‌یابند (جنکینز، ۱۳۸۱: ۳۵). وی تأکید دارد که هویت اجتماعی دستاوردی عملی یعنی یک فرایند است و هویت اجتماعی را می‌توان با به‌کارگرفتن کنش متقابل دیالکتیکی درونی-بیرونی فهمید.

یکی از کسانی هم که به مسئله هویت در جهان مدرن و پیوند سطوح خرد و کلان پرداخته آنتونی گیدنز است. از نظر او مسئله هویت را می‌توان در ذیل بحث شرایط تجدد مورد بررسی قرار داد. به نظر او، پویایی و تحرک خارق‌العاده زندگی اجتماعی امروزی دارای سه عنصر اصلی است:

۱- جدایی زمان و فضا و سازماندهی فعالیت‌هایی که از نظر جسمانی در حضور یکدیگر نیستند.

۲- تکه‌برداری^۶، بیرون‌کشیدن^۷ روابط اجتماعی از بافت‌های محلی و جا انداختن مجدد آنها در تکه‌های نامعینی از زمان و فضا^۸ که به وسیله نشانه‌ها، عناوین و نظام‌های کارشناسی مشخص می‌شوند.

1 Structuration
2 Howard Becker
3 Peter Berger
4 Thomas Luckman
5 Pierre Bourdieu
6 Disembodying
7 Lifting out
8 Time-space

۳- بازتابندگی نهادین، کاربرد منظم اطلاعات و دانش‌های مربوط به زندگی اجتماعی و تغییر مستمر شرایط براساس شک بنیادین و به‌وجودآمدن دلبخواهی (گیدنز، ۱۳۷۸: ۴۱)، درهم گره‌خوردن رویدادها و روابط اجتماعی، در سرزمین‌های دوردست با تار و پود موضعی یا محلی جوامع دیگر و تلاقی حاضر و غایب، ویژگی‌های دوره جدید هستند (همان: ۷۶).

هویت اجتماعی بیش از آنکه امری عینی و مادی باشد، در نظام‌های نمادین خاصی متجلی می‌شود و نمادهای به‌مثابه محمل‌های هویت و بسترهای تجربه هویت عمل می‌کنند. از این‌رو می‌توان هویت را یک نظام نمادین در نظر گرفت. در این زمینه می‌توان به نظریات انتونی کوهن اشاره کرد. در نظریه هویت از منظر انتونی کوهن، به تنوع در منابع هویت‌بخش و طیف گسترده‌ای از جماعات که انسان‌ها به آن تعلق دارند تأکید می‌شود. الگوی کوهن از هویت صرفاً به مناطق محل اقامت مشترک مردم محدود نمی‌شود، گو اینکه تأکید او بر اجماع همچون سازه‌ای ذهنی موجب تسهیل کاربرد مدل او در طیف گسترده‌ای از جماعاتی که انسان‌ها به آن تعلق دارند تأکید دارد. اجتماع‌های مبتنی بر منافع مشترک، اجتماع‌های قومی، اجتماع‌های شغلی، اجتماع‌های مذهبی و غیره. این جماعات اجتماعی هستند که شخص می‌تواند به آنها تعلق داشته باشد. در کتابی با ویرایش کوهن و با عنوان فرعی «هویت و تنوع در فرهنگ‌های بریتانیایی» (۱۹۸۶)^۱ خانوار، خویشاوندی، نوجوانی و نیز یک کشتزار از جمله اجتماع‌هایی هستند که براساس آنها هویت‌ها شکل می‌گیرند. کوهن الگویی کامل از مناسبات میان مرزهای مبتنی بر هویت و محتوای آنها که همانا فرهنگ مردمی که در چارچوب آن مرزها می‌زیند، عرضه می‌کند و در عین حال همچنان بر انعطاف‌پذیری و تنوع تأکید می‌کند. خلاصه کلام کوهن آن است که اجتماع مبتنی بر مکان و اقامتگاه به همان اندازه (اجتماع) ملی، خیالی و دارای ساخت نمادین است (جنکینز، ۱۳۸۱: ۱۹۸).

آنچه در مؤلفه‌های جامعه‌شناختی نظریه‌های هویت عمدتاً مورد توجه قرار گرفته، نمودهای ذهنی و کنشگرانه هویت است، اما کمتر به مسئله هویت در رابطه با دیگر و بالاخص در تأکید بر مقوله مرز توجه شده است. در این راستا، فردریک بارث از مهم‌ترین نظریه‌پردازان هویت است که به مسئله مرز و تفاوت‌ها در مرز تأکید می‌کند. از این منظر او نظریه انعطاف‌پذیری در

ساخت هویت را مطرح می‌کند. به نظر بارث (۱۹۶۹) هویت‌ها تغییرناپذیر و ابدی نیستند و در گذر زمان دگرگون می‌شوند. به عقیده بارث، هویت‌ها فرایندپذیر یا عملی هستند. بارث اصرار دارد که تعامل با فراسوی مرزها میان گروه‌ها امر گریزناپذیر یا امر ناگزیر^۱ است. تداوم بازنگری و انعطاف‌پذیری هویت در عمل و در موقعیت، مهم‌ترین مطلب بارث است.

بارث به شدت بر نقش فرد و تصمیم‌گیری او در ساخت هویت تأکید می‌کرد، که در حقیقت مکمل یا مؤید نظریه بازتابی گیدنز است. وی در ابتدا به شدت به مولدبودن فرد برای تولید هویت خویش تأکید داشت و از ۱۹۶۹ او در بحث کثرت‌گرایی در جوامع پیچیده، از عالم‌های گفتاری^۲ یا سیلان سنت^۳ سخن گفت. مبنای حرف او این است که افراد به شیوه‌های متفاوتی در فرهنگ‌های مختلف مشارکت می‌جویند و معمولاً در هر زمان در چندین عامل گفتمانی و با درجاتی از شدت ضعف شرکت می‌کنند (جنکینز، ۱۳۸۱: ۱۶۷). البته و به هر حال هویت‌ها تجسم‌یافته هستند و نمی‌توان همه مرزهایشان را نادیده گرفت.

رویکرد پویا به مقوله هویت، به طور ضمنی بیانگر آن است که در کنش متقابل است که هویت برساخته می‌شود. هنگام طرح بحث هویت، نظریه کنش متقابل نمادین برداشتی صحیح و مفهوم‌سازی مناسبی را طراحی می‌نماید. در واقع نظریه جرج هربرت مید درباره خود و نحوه تکوین آن به خوبی نشان می‌دهد که هویت مضمون و ماهیتی اجتماعی دارد در چارچوب این نظریه هویت اجتماعی میان بازنمایی خود و ساختار و فرآیند و گروه‌های اجتماعی که خود در درون آن‌ها قرار دارد پیوند برقرار می‌شود. از دیدگاه نظریه کنش متقابل نمادین و شارحین بعدی آن که در ذیل نظریه هویت اجتماعی به بحث پرداخته‌اند. به این ترتیب هویت اجتماعی حوزه‌ای غنی برای مطالعه محل تلاقی روانشناسی فردی و نظام‌های معنایی و کردارهای فرهنگی فراهم می‌آورد (حاجیان، ۱۳۸۸: ۱۴۸). از رویکردهای مهم نظریه کنش متقابل نمادین درباره هویت اجتماعی آن است که هویت تحت تأثیر ارزش‌ها، ساخت‌ها، قواعد، نظامات کنترل اجتماعی، تجارب و فعالیت‌های اجتماعی است و بنابراین هویت متحول و متغیر است و با تغییر تفاسیر و تعاریف اجتماعی متحول می‌شود و در فرآیندهای اجتماعی شکل یافته و تغییر می‌پذیرد و نتیجه نهایی شکل‌گیری هویت ترکیبی است (حاجیان، ۱۳۸۸: ۱۴۹).

1 Sine quanon

2 Universal of discourse

3 Streams of tradition

همچنین امکان انطباق و سازگاری میان منابع مختلف هویت وجود دارد و نهایتاً بر اساس نظریه تاجفل امکان درهم آمیختگی هویت اجتماعی وجود دارد. این مفهوم مستقیماً به میزان همپوشانی ایجادشده بین گروه‌هایی که یک شخص به طور همزمان عضو آنهاست مربوط می‌شود. برپایه پیش فرض بنیادی نظریه کنش متقابل نمادین مبنی بر امکان شکل‌گیری خودهای متناوب می‌توان بر این نکته تأکید نمود که هویت‌های جمعی در هر جامعه‌ای از منابع مختلف تغذیه می‌شوند و نوع این منابع بنابر شرایط تاریخی، جغرافیایی، جامعه‌پذیری، گفتمان‌های قدرت، رسانه‌ها و روابط اجتماعی، سیاست فرهنگی و ... تعیین و مشخص می‌شود. دیگر آنکه چون منابع هویت‌ساز متعددند هویت تحت تأثیر هرکدام از جریان‌ات در کنشگران سازماندهی می‌شود و چون به صورت تدریجی هویت‌سازی رخ می‌دهد انطباق و خودسازگاری میان منابع متعدد هویتی ایجاد می‌شود. بنابراین چارچوب نظری، هویت یکپارچه یا تک‌بعدی محقق نمی‌شود (حاجیان، ۱۳۸۸: ۱۵۱).

چارچوب نظری تحقیق

آنچه در بالا به‌عنوان مروری بر نظریه‌های جامعه‌شناختی هویت آمد، بیانگر آن است که هویت یک برساخته اجتماعی پویا و خلاقانه است که کنشگران فردی از خلال تعاملات فردی، درون‌گروهی و بین‌گروهی خودشان آن را برمی‌سازند. از این منظر می‌توان درکی از ابعاد هویتی هم داشت. اینکه هویت به‌واسطه مرزهای قومی، مذهبی و ملی در عرصه‌های اجتماعی ساخته می‌شود. این ابعاد هویتی را باید هم در سطوح خرد کنش‌های فردی دنبال کرد و هم در سطح کلان و تجلیات آن در سطوح کلان جامعه موردنظر. با توجه به نظریه‌های نظریه‌پردازان معاصر در حوزه هویت، چارچوب مفهومی این تحقیق براساس نظریه کنش متقابل نمادین به علاوه رویکرد معاصر این نظریه که همان هویت اجتماعی است، می‌باشد که براساس آن، می‌توان عضویت کنشگر ایرانی را در گروه‌های متنوع ملی، قومی، مذهبی و مدرن (فراملی) شناسایی نمود و هویت ایرانی را متشکل از این ابعاد دانست. بنابراین می‌توان در کنار هویت ملی، هویت قومی، هویت دینی و هویت مدرن را مجموعه تشکیل‌دهنده هویت ایرانی دانست. به این دلایل می‌توان گفت هویت قومی متأثر از هویت ملی، هویت مذهبی و هویت مدرن است و باتوجه به همنشینی تاریخی و طولانی مدت هویت ملی و هویت مذهبی با هویت قومی، این ابعاد هویت

با یکدیگر تعارض و تضادی ندارند و درعین‌حال همه این ابعاد دارای قوت و قدرت لازم هستند. همچنین باتوجه به جریان جهانی‌شدن و تأکیدات ویژه آن بر توجه به قومیت و قوم‌مداری، تعارضی بین این دو بعد هویتی یعنی هویت مدرن و هویت قومی وجود ندارد. از این منظر باید فهمید دانش‌آموز سیستانی در تعاملات خودش این ابعاد هویتی را چگونه تجربه می‌کند و چگونه هویت او از خلال این روابط برساخته می‌شود. برای این کار لازم است این ابعاد هویتی موردنظر را ابتدا تعریف کرده و سپس به سراغ جامعه موردپیمایش برویم.

هویت ملی: آنتونی اسمیت هویت ملی را نوعی احساس تعلق و فرهنگ محور تمایزآفرین و تداوم‌بخش یک ملت می‌داند که دولت‌ها با گفتمان‌های مسلط و با بهره‌برداری از منابع معین آن را به وجود آورده، حفظ و تعریف می‌کنند (گودرزی، ۱۳۸۴: ۱۰۵). برخی نیز هویت ملی را هویت جامعه که بر تشابه منظم و معنی‌دار بین گروهی از افراد به نام ملت در چارچوب یک سرزمین و یک دولت ملی مشخص با ارزش‌ها و اعتقادات دینی متمایز از ملت‌های دیگر مبتنی است تعریف کرده است (دوران، ۱۳۸۶: ۹۴). ما در این مطالعه هویت ملی را به‌عنوان میزان احساس تعلق و تعهد به ابعاد سه‌گانه ملی یا ملیت ایران شامل اجتماع فرهنگ و کشور ایران آن به‌عنوان یک واحد سیاسی تعریف می‌کنیم. در این مطالعه هویت ملی در معنای اجتماعی آن تعریف می‌شود؛ یعنی جوهره اصلی در هویت ملی پیوندهای فرهنگی و اجتماعی و نه نژادی قومیتی در نظر گرفته می‌شود و البته عنصر دولت یا کشور نیز به آن افزوده می‌شود (حاجیانی، ۱۳۸۸: ۳۹۹).

هویت قومی: اصطلاح هویت قومی در مجموع مبتنی و ناشی از شکلگیری قومیت و گروه قومی است هنگامی می‌توان از هویت قومی سخن گفت اعضای گروه قومی نسبت به عضویتشان در گروه عمومی به آگاهی رسیده باشند و از وجود و تفاوت و تمایز خودشان با دیگران و نیز شباهت‌هایشان با یکدیگر مطلع شده باشند و این آگاهی منجر به تولید و احساس تعلق به گروه قومی‌ای شده باشد که عضو آن هستند (برتون، ۱۳۸۰: ۲۴). از نظر وینریش مفهوم هویت قومی یک روش فهم نیازها و تهدیدات است که گروه‌های قومی در مقابل خود احساس می‌کنند (حاجیانی، ۱۳۸۸: ۴۱۲). در نهایت می‌توان گفت منظور از هویت قومی در این مطالعه تعریف خود به‌عنوان عضو گروه قومی و احساس تعلق دلبستگی و وابستگی و تعهد به اجتماع

و خرده فرهنگ قومی می‌باشد. منظور از تعهد در اینجا مشارکت و فعالیت در جهت پیگیری مسائل قومی و تعهد به اهداف جمعی و گروه قومی است (حاجیانی، ۱۳۸۸: ۴۳۲). ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های هویت قومی با آنچه به‌عنوان شاخص‌ها و ابعاد هویت ملی مطرح شده نزدیکی و همپوشانی زیادی دارد چراکه این دو نوع هویت فقط از لحاظ سطح متفاوتند و محتوای آنها تا حد زیادی همانند هم هستند.

هویت دینی: هویت دینی عبارت است از کنش کنشگران اجتماعی در مواجهه با دین اگر رابطه دین با دینداران را دارای دو جهت بدانیم یکی از سمت دین به سوی کنشگر و دیگری از سمت کنشگر به سوی دین هویت دینی مرتبط است با جهت از کنشگر به سوی دین در مطالعه هویت دینی مبدأ شخص دیندار است و موضوع اصلی شخص دیندار یا کنشگر اجتماعی است از آن حیث که با دین رابطه برقرار می‌کند (حاجیانی، ۱۳۸۸: ۴۳۷). در نهایت می‌توان گفت هویت دینی مجموعه‌ای از مؤلفه‌های فرهنگ مذهبی است و در واقع فرهنگ مذهبی به معنی تعلق به فرهنگ دینی بعد از هویت دینی به شمار می‌آید. به اجتماع دینی به معنی مشارکت در فعالیت‌های دینی دسته‌جمعی و تمایل به ارتباط و مشورت‌گیری با مذهبی‌ها و دینداران نیز از دیگر مؤلفه‌های هویت دینی است هویت دینی همچنین در معنای هویت‌یابی دینی احساس تعلق فرد به فرهنگ و اجتماعی می‌باشد (حاجیانی، ۱۳۸۸: ۴۵۲).

غربگرایی به مثابه یک وجه هویت: در این مطالعه منظور از هویت مدرن کلیه برداشت‌ها تصورات و خودشناسی‌هایی است که شهروندان ایرانی از خود ارائه می‌نمایند و دارای منشاء سنتی نیست بلکه تحت تأثیر تغییرات و مراودات فرهنگی و اجتماعی با دنیای غربی شکل می‌گیرد در نهایت می‌توان گفت هویت جهانی در گام نخست و ابتدایی به معنی آگاهی جهانی و اطلاع‌یابی از برخی وجوه مشترک و زیربنایی تمامی ابناء بشر در کل آگاهی نسبت به جهان به‌عنوان یک کل است و در سطح عالی‌تر و قوی‌تر هویت جهانی به معنی هویت جمعی واحد در سطح جهان احساس تعلق و تعصب به مسائل جهانی می‌باشد (حاجیانی، ۱۳۸۸: ۴۹۷).

نوجوانی: این مطالعه به دنبال بررسی ابعاد هویتی فوق در میان دانش‌آموزان سیستانی است. به همین دلیل مهم‌ترین مؤلفه جامعه آماری این پژوهش، نوجوانان هستند که می‌توان آن را به‌مثابه یک معیار قشربندی یا یک معیار هویتی هم در نظر گرفت. به عبارت دیگر پژوهش

حاضر به دنبال آنست که ابعاد هویت‌های فوق را در میان نوجوانان بررسی کند. از این رو، لازم است که مفهوم نوجوانی نیز تعریف شود.

میلر نیوتون در کتاب نوجوانی، نوجوانی را دوره فرایندهای رشدی انتقال از کودکی به بزرگسالی می‌داند. این فرایندها جنبه‌های گوناگونی دارند:

اول، رشد و نمو سازمان عصبی مغز که نمود آن در تحوّل فرایندهای شناختی، عاطفی و رفتارها مشاهده می‌شود؛

دوم، رشد فیزیکی که شامل رشد اندازه‌های بدنی و تغییر در نیم رخ جسمی است؛

سوم، رشد نظام جنسی یا تولید مثل، شامل جسمی و رفتاری؛

چهارم، رشد احساس «خود» به‌عنوان یک بزرگ سال یا یک انسان مستقل و خود راهبر؛

پنجم، کسب موقعیت بزرگسالی در گروه اجتماعی یا فرهنگ؛

ششم، رشد کنترل رفتاری خود در تعامل با جامعه (هنری ماسن، ۱۳۸۰: ۱۲).

در خصوص طول دوره نوجوانی اتفاق نظر کاملی بین روان‌شناسان وجود ندارد. آنان طول این دوره را از سیزده سال تا چهارده سال دانسته‌اند، اما در آثار جدیدتر روان‌شناسی معمولاً سنین ۱۱ تا ۱۳ و ۱۸ تا ۲۰ سالگی را دوره نوجوانی به حساب آورده‌اند. واقعیت این است که آغاز و پایان و طول این دوره در دختران و پسران جوامع مختلف و طبقات گوناگون اجتماعی متفاوت است (هنری ماسن، ۱۳۸۰: ۱۳). این دوران در جوامع ساده‌تر کوتاه و در جوامع پیشرفته صنعتی طولانی‌تر است. با وجود چنین تنوعاتی، یکی از جنبه‌های نوجوانی همگانی است و آن را از مراحل قبلی رشد مجزا می‌کند: تغییرات جسمانی و روانی بلوغ که از آغاز این دوره نمایان می‌شود (هنری ماسن، ۱۳۸۰: ۵۳۲). مراحل نوجوانی تغییر و تحولات این دوره به سه مرحله تقسیم می‌شود: مرحله اول: فاصله‌گرفتن (۱۲-۱۴ سالگی)؛ مرحله دوم: جدایی تدارکاتی (۱۵-۱۷ سالگی)؛ مرحله سوم: ورود مجدد به مناسبات اجتماعی (۱۸-۲۰ سالگی).

در بین این دوره‌ها مرحله دوم هسته اصلی نوجوانی و مشکلات آن است، با رشد بیشتر بدنی و جنسی همراه است و سطح عالی‌تری از ادراک «خود» را تجلّی می‌دهد. رشد مغز و توانایی‌های شناختی نوجوان با درونی‌شدن حیات عاطفی و ارتباط عمیق‌تر با گروه همسالان، جدایی بیشتر ویژگی‌های روانشناختی نوجوان و باورها و ارزش‌های او از والدین و بزرگسالان را به بار می‌آورد. این جدایی هرچند به ندرت جنبه جدایی مکانی نوجوان با والدین و

بزرگسالان را پیدا می‌کند، اما معمولاً یک جدایی روحی، فکری، ارزشی و رفتاری است و زمینه‌های ذهنی استقلال را برای او فراهم می‌آورد. در همین مرحله، انسجام جنبه‌های مختلف بدنی و جنسی و تصور از خویش به صورت هویت واحد شکل می‌گیرد و پاسخگویی به سؤال اساسی «من کیستم؟» به تدریج در ذهن نوجوان تحقق می‌یابد. در این مرحله، کسب دانش و مهارت‌های لازم برای اشتغال یا برای ادامه تحصیل، به‌عنوان یک نیاز مهم در تعلیم و تربیت نوجوانان مطرح می‌شود (لطف‌آبادی، ۱۳۸۰: ۱۶).

بر اساس آنچه در فوق آمد، در این مقاله تلاش شده است که هویت نوجوانان سیستانی با تأکید بر مرحله دوم دورهنوجوانی و همچنین بر ابعاد ملی، قومی، دینی و همچنین مؤلفه غربگرایی در هویت آنها مورد بررسی قرار بگیرد. در ادامه پس از توضیح روش‌شناسی این پژوهش به داده‌ها و تحلیل آنها خواهیم پرداخت.

روش تحقیق و جامعه آماری

این پژوهش که به روش کمی و با استفاده از تکنیک پیمایش انجام یافته است شامل جامعه آماری دانش‌آموزان نوجوان شهر زاهدان در استان مرزی سیستان و بلوچستان می‌باشد. مقطع تحصیلی این دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه می‌باشد. تعداد کل حجم جمعیت این دوره از دانش‌آموزان بر اساس آمار اعلامی از سوی اداره کل آموزش و پرورش استان سیستان و بلوچستان در شهر زاهدان حدود ۱۴۴۰۰۰ نفر می‌باشد. در این پژوهش با توجه به ناهمگن بودن جامعه آماری از روش طبقه‌بندی شده استفاده می‌نماییم. این روش نمونه‌گیری همچنین اصل گزینش تصادفی را تهدید نمی‌کند.

استان سیستان و بلوچستان با وسعتی حدود ۱۸۵/۵۰۰ کیلومتر مربع وسعت و ۲'۷۷۵'۰۱۴ نفر جمعیت در جنوب شرق کشور دومین استان پهناور کشور بعد از استان کرمان است. این استان با ۱۱/۴ درصد از مساحت کل کشور ۲,۸۷ درصد جمعیت کشور را در خود جای داده (مرکز آمار ۱۳۹۵) و بنابراین یکی از کم‌تراکم‌ترین استان‌های کشور محسوب می‌شود. این استان با دارا بودن ۳۰۰ کیلومتر نوار ساحلی با دریای عمان در جنوب و ۱۱۰۰ کیلومتر مرز خاکی، از شمال به خراسان جنوبی، از مشرق به کشورهای افغانستان و پاکستان و از مغرب به استان‌های کرمان هرمزگان محدود می‌گردد. این استان بر اساس آخرین تغییرات از ۲۳

شهرستان، ۵۵ بخش و ۴۹ شهر تشکیل گردیده‌است. مردم استان سیستان و بلوچستان از قومیت‌های سیستانی و بلوچ می‌باشد که سیستانی‌ها به زبان فارسی با لهجه سیستانی حرف می‌زنند و پیرو دین اسلام با مذهب تشیع می‌باشند و بلوچ‌ها به زبان بلوچی صحبت می‌کنند و پیرو اسلام و مذهب تسنن می‌باشند. سیستان شامل زابل و هامون و هیرمند و نیمروز و زهک است. دو شهرستان زاهدان خاش و میرجاوه نیز جزو مناطق سرحد امروزی می‌باشند و مکران دربرگیرنده بقیه شهرها از ایرانشهر تا چابهار می‌باشد.

زاهدان یکی از کلان‌شهرهای ایران و مرکز استان سیستان و بلوچستان است. این شهر در منطقه بلوچستان قرار دارد. جمعیت زاهدان برپایه سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ خورشیدی مرکز آمار ایران بالغ بر ۵۸۷'۷۳۰ نفر بوده که از این جهت، دوازدهمین شهر پرجمعیت ایران محسوب می‌شود. بر پایه همین آمار در سال ۱۳۹۵ از مجموع جمعیت زاهدان، ۲۹۹'۵۵۰ نفر مرد و ۲۸۸'۱۸۰ نفر زن بوده‌اند. هم‌چنین شمار خانوارهای ساکن این شهر در این سال بالغ بر ۱۴۶'۷۱۷ خانوار بوده‌است. امروزه ترکیب عمده قومیتی این شهر را نیمی بلوچ و نیمی فارس تشکیل می‌دهد. اقوام این شهر سیستانی و بلوچ و هم‌چنین یزدی‌ها، بیرجندی‌ها، کرمانی‌ها، مهاجرانی از آذربایجان و سیک‌های هندی و افغانه تشکیل می‌دهند.

جدول شماره ۱: میزان آلفای به‌دست‌آمده برای هر یک از متغیرها

عنوان	تعداد گویه	آلفا کرونباخ
هویت ملی	۴۰	۸۶,۳
هویت قومی	۲۰	۸۵,۴
هویت دینی	۳۶	۹۲,۸
هویت جهانی	۳۳	۷۵,۹

بر همین اساس شهر زاهدان را در ۵ جهت تقسیم‌بندی نموده و از بین مدارس موجود در جهات چهارگانه به علاوه مرکز شهر یک مدرسه دخترانه و یک مدرسه پسرانه دولتی انتخاب گردید و با استفاده از فرمول کوکران در سطح معناداری ۹۵ درصد و خطای نمونه‌گیری ۵ درصد، یک نمونه ۳۸۳ نفری انتخاب گردید که جهت اطمینان این نمونه به ۴۰۰ نفر افزایش داده شد. باتوجه به اینکه در این پژوهش از پرسشنامه تحقیق جامعه‌شناسی هویت ایرانی استفاده

گردیده شده بود، همان پرسشنامه با برخی اصلاحات استفاده گردیده است و محاسبه ضریب روایی آلفای کرونباخ برای هر یک از ابعاد هویتی نشان می‌دهد که ابزار سنجش از پایایی بالایی برخوردار است.

براساس اطلاعات موجود در جدول شماره ۱ روایی هر یک از ابعاد هویتی را با سنجح آلفای کرونباخ سنجیده‌ایم که به تفکیک چنین است که بعد هویت ملی با ۴۰ گویه ۸۶/۳ درصد می‌باشد، نتیجه آزمون و هویت قومی آلفای میان ۲۰ گزینہ ۸۵/۴ درصد می‌باشد، میزان آلفای کرونباخ هویت دینی با ۳۶ گویه ۹۲/۸ درصد است. همان‌گونه که در جدول نیز معین گردیده است هویت جهانی با ۳۳ گویه معادل ۷۵/۹ درصد آلفای کرونباخ این بعد هویتی می‌باشد و همگی ابعاد روایی قابل قبول و بالایی را دارند.

فرضیات تحقیق

۱. به نظر می‌رسد میان هویت قومی با هویت جهانی رابطه وجود دارد.
۲. به نظر می‌رسد میان هویت قومی با هویت دینی رابطه وجود دارد.
۳. به نظر می‌رسد میان هویت قومی با هویت ملی رابطه وجود دارد.
۴. به نظر می‌رسد تقویت قومی با ابعاد هویت رابطه وجود دارد.
۵. به نظر می‌رسد سهم هویت‌های قومی، ملی، دینی، جهانی در میان دانش‌آموزان زاهدان متفاوت است.
۶. به نظر می‌رسد در رابطه میان ابعاد هویت و هویت قومی در میان دو جنس تفاوت وجود دارد.

یافته‌های پژوهش: مسئله هویت در میان نوجوانان زاهدان

یافته‌ها حاکی از این می‌باشد که از کل پاسخگویان ۵۱ درصد پسر (مرد) و ۴۹ درصد دختر (زن) می‌باشند. ۳۱/۸ در رشته ریاضی ۳۲/۳ درصد و رشته تجربی و ۳۶ درصد در رشته انسانی تحصیل می‌کنند. همچنین ۷۲/۵ درصد از کل پاسخگویان شیعی مذهب هستند و ۲۷/۵ درصد اهل سنت می‌باشند. لازم به ذکر است که ۵۶/۶ درصد پاسخگویان فارس (سیستانی، زابلی)

هستند و ۲۸/۱ درصد بلوچ و مابقی از سایر اقوام هستند که حدود ۵/۳ درصد می‌باشد و شامل گُرد، گُر، ترکمن و هندی و ... می‌باشند.

جدول شماره ۲ توزیع فراوانی و درصد ابعاد مختلف هویتی دانش‌آموزان را نشان می‌دهد. بر همین اساس هویت ملی دانش‌آموزان ۵۳/۵ درصد بالاتر از متوسط است و ۱۱/۸ درصد پایین‌تر از حد متوسط است، توزیع جنسی هویت ملی نشان می‌دهد پسران با ۶۱/۳ درصد و دختران ۴۵/۴ درصد از هویت ملی بالایی برخوردارند همچنین هویت ملی پسران بالاتر از هویت ملی دختران است. باتوجه به عدد مورد انتظار در هویت ملی (کل) این بعد در بین دانش‌آموزان پسر ۷/۸ درصد بالاتر است. باتوجه به جدول ۱۵/۳ درصد دانش‌آموزان دختر از هویت ملی پایینی برخوردارند و این عدد در بین پسران ۸/۴ درصد می‌باشد. بعد هویت قومی دانش‌آموزان شهر زاهدان ۵۶/۸ درصد بیشتر از حد متوسط می‌باشد که در مقایسه با هویت ملی ۳/۳ درصد این بعد هویتی در پاسخگویان بالاتر است.

باتوجه به اینکه ۱۵/۵ درصد دانش‌آموزان گزینه خیلی زیاد را در بعد هویت قومی انتخاب کرده‌اند و در مقایسه با بقیه ابعاد هویت می‌توان بیان نمود که این بعد از هویت برای دانش‌آموزان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و باتوجه به جدول این بعد از هویت در بین پسران بالاتر از دختران است. دانش‌آموزان دختر ۵۰ درصد دارای هویت قومی بالایی هستند و ۶۳/۳ درصد پسران از هویت قومی بالایی برخوردارند. ۲/۵ درصد دانش‌آموزان پسر و ۷/۱ درصد دانش‌آموزان دختر از هویت قومی پایین برخوردارند. بعد هویت دینی با عدد ۶۰/۶ درصد نشانگر بالابودن این هویت در بین دانش‌آموزان زاهدانی می‌باشد و ۸/۱ درصد پاسخگویان دارای هویت دینی پایینی می‌باشند توزیع جنسیتی هویت دینی نشان می‌دهد که ۵۱/۶ درصد دختران و ۶۹/۱ درصد پسران از هویت دینی بالایی برخوردارند همچنین ۱۳/۳ درصد دختران و ۲/۹ درصد پاسخگویان پسر از هویت دینی پایینی برخوردارند هویت دینی باتوجه به انتخاب گزینه خیلی زیاد در بین دانش‌آموزان دختر از اهمیت بالاتری نسبت به دانش‌آموزان پسر قرار دارد در بعد هویت جهانی ۲۲/۵ درصد پاسخگویان دارای هویت جهانی بالایی هستند و ۳۷/۳ درصد پاسخگویان دارای هویت جهانی پایینی هستند. توزیع جنسیتی این بعد گویای این است که ۲۰/۴ درصد دانش‌آموز دختر و ۲۴/۵ درصد دانش‌آموزان پسر از هویت جهانی بالایی برخوردار هستند. ۳۹/۷ درصد پاسخگویان پسر و ۳۴/۷ درصد پاسخگویان دختر

هویت جهانی پایین دارند همچنین باتوجه به اینکه پاسخ متوسط در بین دانش‌آموزان دختر بالاتر از حد مورد انتظار کل در همه ابعاد هویتی بیشتر است تا حدودی نشانه بی‌تفاوتی این جنس به مسائل هویتی می‌باشد.

جدول شماره ۲: توزیع فراوانی و درصد میزان ابعاد چهارگانه هویت پاسخگویان

ابعاد هویت	جنسیت	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
هویت ملی	کل	۶,۵	۴۷,۰	۳۴,۸	۹,۰	۲,۸
	دختر	۶,۱	۳۹,۳	۳۹,۳	۱۲,۲	۳,۱
	پسر	۶,۹	۵۴,۴	۳۰,۴	۵,۹	۲,۵
هویت قومی	کل	۱۵,۵	۴۱,۳	۳۸,۵	۳,۵	۱,۳
	دختر	۱۴,۸	۳۵,۲	۴۲,۹	۵,۱	۲,۰
	پسر	۱۶,۲	۴۷,۱	۳۴,۳	۲,۰	۰,۵
هویت دینی	کل	۱۳,۳	۴۷,۳	۳۱,۵	۵,۸	۲,۳
	دختر	۱۳,۸	۳۷,۸	۳۵,۲	۸,۷	۴,۶
	پسر	۱۲,۷	۵۶,۴	۲۷,۹	۲,۹	۰,۰
هویت جهانی	کل	۴,۰	۱۸,۵	۴۰,۳	۳۱,۳	۶,۰
	دختر	۱,۵	۱۸,۹	۴۴,۹	۳۰,۶	۴,۱
	پسر	۶,۴	۱۸,۱	۳۵,۸	۳۱,۹	۷,۸

فرضیه ۱: به نظر می‌رسد میان هویت قومی با هویت جهانی رابطه وجود دارد.

در جدول شماره ۳ رابطه بین هویت جهانی با هویت قومی مورد آزمون قرار گرفته است برای آزمون این فرضیه از تحلیل رگرسیون خطی استفاده شده است. نتایج حاصل نشان می‌دهد که هویت جهانی ۱۹/۴ درصد با هویت قومی رابطه دارد و ضریب R^2 نشان‌گر این است که ۳/۸ درصد از تغییرات مربوط به هویت قومی توسط هویت جهانی قابل تبیین است که این رقم برای تعمیم به کل جامعه آماری ۳/۶ درصد می‌باشد همچنین ضریب Beta نشان می‌دهد که بین هویت جهانی افراد با هویت قومی پاسخگویان رابطه مثبتی وجود دارد و براساس ضریب B به ازاء هر واحد افزایش در بعد هویت جهانی دانش‌آموزان به میزان ۰/۱۷۵ به نمره هویت قومی افزوده خواهد شد. باتوجه به مقدار T که برابر ۳/۹۵۱ و سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ رابطه بین دو بعد هویتی جهانی و قومی در سطح بیش از ۹۹ درصد تأیید می‌شود همچنین مقدار $F=۱۵/۶۱۱$

در سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ نشان می‌دهد که این مدل قابل تأیید است و این رابطه در سطح حداقل ۹۵ درصد معنی‌دار است.

باتوجه به برش جنسیتی رابطه هویت جهانی و با هویت قومی نشان‌دهنده این است که هویت جهانی در بین دختران ۲۴/۷ درصد و در بین پسران ۱۵/۸ درصد با هویت قومی رابطه دارد و ضریب R2 نشان‌گر این است که در بین دختران ۶/۱ درصد و در بین پسران ۲/۵ درصد از تغییرات مربوط به هویت قومی توسط هویت جهانی قابل تبیین است و این رقم برای تعمیم به کل جامعه آماری در بین دختران ۵/۶ درصد و در بین پسران ۲ درصد می‌باشد همچنین ضریب Beta در بین دختران و پسران نشان‌دهنده رابطه مستقیم و مثبت هویت جهانی و قومی می‌باشد براساس ضریب B به ازاء هر واحد افزایش در بعد هویت جهانی دانش‌آموزان دختر ۰/۲۷۶ و دانش‌آموزان پسر ۰/۱۱۴ به نمره هویت قومی افزوده خواهد شد. باتوجه به نمره T که بین دختران ۳/۵۵۷ و در بین پسران ۲/۲۷۶ می‌باشد همچنین مقدار F که در بین دختران ۱۲/۶۵۶ و در سطح معناداری ۰/۰۰۰ می‌باشد و در بین پسران مقدار F ۵/۱۸۲ در سطح معناداری ۰/۰۲۴ می‌باشد این بیان‌گر این است که رابطه بین دو هویت جهانی و قومی در سطح بیش از ۹۹ درصد تأیید می‌شود و این مدل در سطح حداقل ۹۵ درصد معنی‌دار و این مدل در برش جنسیتی قابل تأیید است همچنین این رابطه در بین دختران بالاتر است.

جدول شماره ۳: آزمون رابطه هویت قومی با هویت جهانی

نام متغیر	جنس	R	R2	R2. Ad	B	Beta	T	F	Sig
هویت جهانی	دختر	۰,۲۴۷	۰,۰۶۱	۰,۰۵۶	۰,۲۷۶	۰,۲۴۷	۳,۵۵۷	۱۲,۶۵۶	۰,۰۰۰
	پسر	۰,۱۵۸	۰,۰۲۵	۰,۰۲۰	۰,۱۱۴	۰,۱۵۸	۲,۲۷۶	۵,۱۸۲	۰,۰۲۴
	کل	۰,۱۹۴	۰,۰۳۸	۰,۰۳۵	۰,۱۷۵	۰,۱۹۴	۳,۹۵۱	۱۵,۶۱۱	۰,۰۰۰

فرضیه ۲: به نظر می‌رسد میان هویت دینی با هویت قومی رابطه وجود دارد.

در جدول شماره ۴ رابطه بین هویت دینی با هویت قومی مورد آزمون قرار گرفته است برای آزمون این فرضیه از تحلیل رگرسیون خطی استفاده شده است نتایج حاصل نشان می‌دهد که هویت دینی ۵۳/۹ درصد با هویت قومی رابطه دارد و ضریب R2 نشانگر این است که ۲۹/۱ درصد از تغییرات مربوط به هویت قومی توسط هویت دینی تبیین می‌شود که این رقم برای

تعمیم به کل جامعه آماری ۲۸/۹ درصد می‌باشد همچنین ضریب Beta نشان می‌دهد که بین هویت دینی و هویت قومی رابطه مثبتی وجود دارد و براساس ضریب B به ازاء هر واحد افزایش در بعد هویت دینی دانش‌آموزان به میزان ۰/۲۹۲ به نمره هویت قومی افزوده خواهد شد. باتوجه به مقدار T که برابر ۱۲/۷۶۹ و سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ رابطه بین دو بعد هویت جهانی و قومی در سطح بیش از ۹۹ درصد تأیید می‌شود همچنین مقدار $F=۱۶۳/۰۳۸$ در سطح معناداری ۰/۰۰۰ نشان می‌دهد که این مدل قابل تأیید است و این رابطه در سطح حداقل ۹۵ درصد معنی‌دار است.

باتوجه به برش جنسیتی رابطه هویت دینی با هویت قومی نشان‌دهنده این که هویت دینی در بین دختران ۵۳/۳ درصد و در بین پسران ۵۲/۵ درصد با هویت قومی رابطه دارد و ضریب R2 نشان‌گر این است که در بین دختران ۲۸/۴ درصد و در بین پسران ۲۷/۵ درصد از تغییرات مربوط به هویت قومی توسط هویت دینی قابل تبیین است و این رقم برای تصمیم به کل جامعه آماری در بین دختران ۲۸ درصد و در بین پسران ۲۷/۲ درصد می‌باشد همچنین ضریب Beta در بین دختران و پسران نشان‌دهنده رابطه مستقیم و مثبت هویت دینی و قومی می‌باشد براساس ضریب B به ازاء هر واحد افزایش در بعد هویت دینی دانش‌آموزان دختر ۰/۲۷۰ و دانش‌آموزان پسر ۰/۳۲۷ به نمره هویت قومی افزوده خواهد شد باتوجه به نمره T که در بین دختران ۸/۷۷۵ و در بین پسران ۸/۷۵۹ می‌باشد. همچنین مقدار F که در بین دختران ۷۶/۹۹۲ و در سطح معناداری ۰/۰۰۰ می‌باشد و در بین پسران مقدار F برابر ۷۶/۷۲۵ در سطح معناداری ۰/۰۰۰ می‌باشد این بیانگر این است که رابطه بین دو هویت دینی و قومی در سطح بیش از ۹۹ درصد تأیید می‌شود و این مدل در سطح حداقل ۹۵ درصد معنی‌دار و این مدل در برش جنسیتی قابل تأیید است همچنین در این رابطه شدت رابطه در برش جنسیتی بالاتر از رابطه در سطح کل است بنابراین جنسیت در این رابطه اثر دارد.

جدول شماره ۴: آزمون رابطه هویت قومی با هویت دینی

نام متغیر	جنس	R	R2	R2.Ad	B	Beta	T	F	Sig
هویت قومی	دختر	۰,۵۳۳	۰,۲۸۴	۰,۲۸۰	۰,۲۷۰	۰,۵۳۳	۸,۷۷۵	۷۶,۹۹۲	۰,۰۰۰
	پسر	۰,۵۲۵	۰,۲۷۵	۰,۲۷۲	۰,۳۲۷	۰,۵۲۵	۸,۷۵۹	۷۶,۷۲۵	۰,۰۰۰
	کل	۰,۵۳۹	۰,۲۹۱	۰,۲۸۹	۰,۲۹۲	۰,۵۳۹	۱۲,۷۶۹	۱۶۳,۰۳۸	۰,۰۰۰

فرضیه ۳: به نظر می‌رسد میان هویت ملی با هویت قومی رابطه وجود دارد.

در جدول شماره ۵ رابطه بین هویت ملی با هویت قومی مورد آزمون قرار گرفته است برای آزمون این فرضیه از تحلیل رگرسیون خطی استفاده شده است نتایج حاصل نشان می‌دهد که هویت ملی ۴۴/۸ درصد با هویت قومی رابطه دارد و ضریب R^2 نشانگر این است که ۲۰/۱ درصد از تغییرات مربوط به هویت قومی توسط هویت ملی تبیین خواهد شد و این رقم برای تعمیم کل جامعه آماری ۱۹/۹ درصد می‌باشد همچنین ضریب Beta نشان می‌دهد که بین هویت ملی و هویت قومی رابطه مثبتی وجود دارد و براساس ضریب B به ازاء هر واحد افزایش در بعد هویت ملی دانش‌آموزان به میزان ۰/۳۰۱ به نمره هویت قومی افزوده خواهد شد باتوجه به مقدار T که برابر ۹/۹۹۹ و سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ رابطه بین دو بعد هویت ملی و قومی در سطح بیش از ۹۹ درصد تأیید می‌شود همچنین مقدار $F=۹۹/۹۷۳$ در سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ نشان می‌دهد که این مدل قابل تأیید است و این رابطه در سطح حداقل ۹۵ درصد معنی‌دار است. باتوجه به برش جنسیتی رابطه هویت ملی با هویت قومی نشان‌دهنده این است که هویت ملی در بین دختران ۴۴/۴ درصد و در بین پسران ۴۲/۴ درصد با هویت قومی رابطه دارد و ضریب R^2 نشانگر این است که در بین دختران ۱۹/۷ درصد و در بین پسران ۱۸ درصد از تغییرات مربوط به هویت قومی توسط هویت ملی قابل تبیین است و این رقم برای تعمیم کل جامعه آماری در بین دختران ۱۹/۳ درصد و در بین پسران ۱۷/۶ درصد می‌باشد همچنین ضریب Beta در بین دختران و پسران نشانگر این است که رابطه مستقیم و مثبت هویت ملی و قومی می‌باشد براساس ضریب B به ازاء هر واحد افزایش در بعد هویت ملی دانش‌آموزان دختر ۰/۳۰۱ و دانش‌آموزان پسر ۰/۲۷۵ به نمره هویت قومی افزوده خواهد شد باتوجه به نمره T که در بین دختران ۶/۹۰۵ و در بین پسران ۶/۶۶۱ می‌باشد همچنین مقدار F که در بین دختران ۴۷/۶۷۸ در سطح معناداری ۰/۰۰۰ می‌باشد و در بین پسران مقدار F برابر ۴۴/۳۷۴ در سطح معناداری ۰/۰۰۰ می‌باشد این بیانگر این است که رابطه بین دو هویت ملی و قومی در سطح بیش از ۹۹ درصد تأیید می‌شود و این مدل در سطح حداقل ۹۵ درصد معنی‌دار و این مدل در برش جنسیتی قابل تأیید است همچنین در این رابطه تفاوت زیادی بین رابطه هویت ملی و قومی در سطح کل با برش جنسیتی وجود ندارد.

جدول شماره ۵: آزمون رابطه هویت قومی با هویت ملی

نام متغیر	جنس	R	R2	R2.Ad	B	Beta	T	F	Sig
هویت قومی	دختر	۰,۴۴۴	۰,۱۹۷	۰,۱۹۳	۰,۳۰۱	۰,۴۴۴	۶,۹۰۵	۴۷,۶۷۸	۰,۰۰۰
	پسر	۰,۴۲۴	۰,۱۸۰	۰,۱۷۶	۰,۲۷۵	۰,۰۴۱	۶,۶۶۱	۴۴,۳۷۴	۰,۰۰۰
	کل	۰,۴۴۸	۰,۲۰۱	۰,۱۹۹	۰,۳۰۱	۰,۴۴۸	۹,۹۹۹	۹۹,۹۷۳	۰,۰۰۰

فرضیه ۴: به نظر می‌رسد میان ابعاد هویت با هویت قومی رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۶ بیانگر رابطه ابعاد هویت با هویت قومی است که با استفاده از تکنیک معادله رگرسیون چندمتغیری آزمون گردیده و رابطه بین هویت قومی را با مابقی ابعاد هویت در بین دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم به تصویر می‌کشد نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که ابعاد هویت ۶۵/۴ درصد با متغیر هویت قومی همبستگی دارد و در برش جنسیتی این رابطه در بین دختران ۶۴/۲ درصد و در بین پسران ۵۴/۵ درصد می‌باشد. ضریب تعیین R2 نشان می‌دهد که ۴۲/۸ درصد از واریانس هویت قومی توسط ابعاد هویت قابل تبیین است در تفکیک جنسیتی R2 در بین دختران ۴۱/۳ درصد و در بین پسران ۲۹/۷ درصد از تغییرات مربوط به هویت قومی توسط ابعاد هویت قابل تبیین می‌باشد.

این رقم برای تبیین به کل جامعه آماری ۴۲/۴ درصد می‌باشد در بین دختران و پسران به ترتیب ۴۰/۳ درصد و ۲۸/۶ درصد است. باتوجه به مقادیر $F=98/768$ و سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ روابط موجود میان ابعاد هویت با هویت قومی در سطح بیش از ۹۹ درصد معنی‌دار است و فرضیات پژوهش تأیید می‌گردد.

فرضیه ۵: به نظر می‌رسد در رابطه میان ابعاد هویت و هویت قومی در میان دو جنس تفاوت وجود دارد.

همچنین یافته‌های جدول حاکی از آن است که در میان ابعاد مختلف هویت براساس ضریب Beta تمامی ابعاد دارای همبستگی مستقیم و مثبت با هویت قومی است و در عین حال باتوجه به مقدار T در تمامی ابعاد و تفکیک جنسیتی هر بعد با هویت قومی از لحاظ آماری معنی‌دار است.

جدول شماره ۶: معادله رگرسیون چندمتغیری رابطه میان ابعاد مختلف هویت با هویت قومی به

تفکیک جنسیت

ابعد	جنسیت	B	انحراف معیار	Beta	T	Sig
هویت جهانی	دختر	۰,۳۸۵	۰,۰۶۰	۰,۳۶۵	۶,۴۴۸	۰,۰۰۰
	پسر	۰,۱۹۳	۰,۰۴۵	۰,۲۶۱	۴,۳۳۸	۰,۰۰۰
	کل	۰,۲۸۱	۰,۰۳۵	۰,۳۱۲	۸,۰۴۴	۰,۰۰۰
هویت دینی	دختر	۰,۴۱۳	۰,۰۵۵	۰,۴۶۵	۷,۵۰۲	۰,۰۰۰
	پسر	۰,۳۷۴	۰,۰۷۱	۰,۳۴۲	۵,۲۶۵	۰,۰۰۰
	کل	۰,۲۳۶	۰,۰۲۴	۰,۴۳۶	۹,۹۷۳	۰,۰۰۰
هویت ملی	دختر	۰,۲۴۵	۰,۰۶۱	۰,۲۴۶	۴,۰۰۵	۰,۰۰۰
	پسر	۰,۲۴۶	۰,۰۶۲	۰,۲۶۱	۳,۹۶۴	۰,۰۰۰
	کل	۰,۱۹۹	۰,۰۳۵	۰,۳۱۲	۸,۰۴۴	۰,۰۰۰
دختر	Sig=۰,۰۰۰	F=۴۴,۹۶۰	R2.Ad=۰,۴۰۳	R2=۰,۴۱۳	R=۰,۶۴۲	
پسر	Sig=۰,۰۰۰	F=۲۸,۱۵۶	R2.Ad=۰,۲۸۶	R2=۰,۲۹۷	R=۰,۵۴۵	
کل	Sig=۰,۰۰۰	F=۹۸,۷۶۸	R2.Ad=۰,۴۲۴	R2=۰,۴۲۸	R=۰,۶۵۴	

بحث و نتیجه گیری

درک جامعه از هویت، درکی فرآیندی از آن است که هویت افراد به صورت ساختمان و اجتماعی شکل می‌گیرد و ساخته می‌شود، باید دانست که شکل‌گیری هویت فردی در فرآیندهای اجتماعی «شدن» ریشه دارند. آنچه در شرایط فعلی برای جامعه ضرورت دارد، درکی منسجم و جامع از هویت است؛ بر این مبنا، هدف اصلی این پژوهش تعیین سهم هر یک از ابعاد هویت (ملی، قومی، دینی) و همچنین مؤلفه غربگرایی در هویت اجتماعی و فرهنگی این نوجوانان مقطع متوسطه دوم شهر زاهدان و همچنین تعیین رابطه بین هویت قومی و بقیه ابعاد هویت یعنی هویت ملی، دینی و جهانی می‌باشد همچنین در این پژوهش اثر متغیر جنسیت را بر هویت دانش‌آموزان و میزان رابطه هویت قومی و مابقی ابعاد هویت بررسی کرده‌ایم.

برای دست‌یافتن به این هدف از روش تحقیق کمی استفاده کرده و از طریق تکنیک پیمایش و با بهره‌گیری از ابزار پرسشنامه این پژوهش به انجام رسیده است. نمونه آماری این تحقیق ۴۰۰ نفر بوده است که ۵۱ درصد مرد و ۴۹ درصد زن می‌باشند. بر اساس تحلیل‌های آماری

صورت‌پذیرفته مشخص گردیده است که ابعاد هویتی مختلف دارای تعاملات و مناسبات متفاوتی با هویت قومی هستند هرچند قوت این مناسبات و روابط در همه موارد یکسان و یک اندازه نیست و ساختار این روابط معنادار است از جهت دیگر با توجه به چارچوب نظری که نظریه کنش متقابل نمادین است و داده‌های به دست آمده می‌توان گفت که کنشگران نمی‌توانند بی‌اعتنا و بی‌توجه به هویت‌های مختلف و جهان‌های زیست اطرافشان باشند.

یکی دیگر از ابعاد این پژوهش نسبت هویت قومی با دیگر ابعاد هویت می‌باشد بر اساس تحلیل‌های آماری انجام گرفته مشخص شده است هویت‌های مختلف دارای تعاملات مناسبات با هویت قومی هستند به زبان آماری می‌توان نتیجه گرفت:

هویت جهانی و مؤلفه غربگرایی فقط ۳,۶ درصد از تغییرات مربوط به هویت قومی را تبیین می‌کند. هویت دینی ۲۸,۹ درصد از تغییرات مربوط به هویت قومی را تبیین می‌کند. هویت ملی ۱۹,۹ درصد از تغییرات مربوط به هویت قومی را تبیین می‌کند. در مجموع ابعاد هویت ملی دینی و جهانی حدود ۶۵,۴ درصد تغییرات هویت قومی را تبیین می‌کنند در این بین بیشترین سهم را هویت دینی دارد و کمترین سهم از آن هویت جهانی است همچنین روابط این ابعاد با هویت قومی معنادار و مثبت است. در بین دختران هویت جهانی ۵,۶ درصد، هویت دینی ۲۸ درصد و هویت ملی ۱۹,۳ درصد از تغییرات مربوط به هویت قومی را تبیین می‌کند.

در بین پسران هویت جهانی ۲ درصد، هویت دینی ۲۷,۲ درصد و هویت ملی ۱۷,۶ درصد از تغییرات مربوط به هویت قومی را تبیین می‌کند.

از نکات اصلی در بررسی هویت در منطقه سیستان و بلوچستان توجه به مسئله حاشیه‌بودن است. حاشیه‌بودن چنان بر هویت مردمان آن منطقه تأثیرگذار است که تصور از این هویت بدون توجه به لایه‌های متعدد حاشیه‌بودن ممکن نخواهد بود. با توجه به یافته‌های پژوهش هویت دینی از سایر عوامل در تبیین هویت قومی تأثیرگذارتر است و در اصل مهم‌ترین عامل تبیین‌کننده هویت قومی است و دو عامل قومیت و مذهب به‌عنوان تفاوت‌های جدی قوم بلوچ و منطقه سیستان و بلوچستان از مابقی کشور می‌باشد. همانطور که چارچوب نظری پژوهش تبیین می‌کند، هویت دانش‌آموزان منطقه سیستان و بلوچستان تحت تأثیر ساخت‌های اجتماعی، فرهنگی می‌باشد. از دیگر نکاتی که از لحاظ نظری نیز می‌توان مشاهده نمود ارتباط فرهنگی هویت است به شکلی که عناصر فرهنگی هویت ملی، هویت دینی و هویت قومی نقطه پیوند

ابعاد هویت جمعی است نتایج بر این واقعیت است که انواع هویت بر اساس تمایز گروه خودی و گروه غیرخودی تعریف نمی‌شود و نظر به تحلیل شایگان، وجود عضویت‌های گروهی چندگانه دانش‌آموزان زاهدانی باعث می‌شود تا جهان اجتماعی آنها به یک تمایز گروه خودی و گروه غیرخودی یگانه تقلیل نیابد و انواع ابعاد هویت بتوانند مشترکاتی با هویت قومی داشته باشند. بنابراین لزوم ندارد که هویت قومی قوی باعث کاهش قوت هویت ملی گردد. همانطور که بارث اشاره نمود، انسجام هویت‌های قومی، ملی، دینی و جهانی در بین دانش‌آموزان باعث می‌گردد تا آنان قادر باشند شباهت‌های میان خصایص فرهنگ قومی و جامعه وسیع‌تر را که به تعریف خود می‌پردازند درج کنند و از این رو به صورت منسجم، هویت‌ها تصویری یکپارچه از «خود» ترسیم می‌کند که در آن تفاوت‌های فرهنگی مکمل هم در نظر گرفته می‌شود تا آنکه مقابل هم فرض شوند. در نهایت می‌توان گفت این پژوهش تأییدی است بر تئوری کنش متقابل نمادین و دیدگاه اندیشمندانی که بر تعدد، ترکیبی و چندگانه‌بودن هویت تأکید دارند بر اساس این تئوری کنشگران در یک نظام اجتماعی نمی‌توانند نسبت به هویت‌های مختلف در اطرافشان بی‌اعتناء و بی‌توجه باشند در شرایط طبیعی افراد با انواع مدل‌ها و الگوها و هویت‌های فرهنگی چه قومی چه ملی و چه بین‌المللی آشنا شده و از طریق فرایندهای جامعه‌پذیری رسانه‌ها عضویت در گروه‌های کوچک همگی آنها را به تدریج در طول زمان درونی کرده و خود را متعهد متعلق به آنها تصور می‌نمایند و منابع هویت به میزانی که تاریخ مند هستند در هویت جمعی افراد مؤثرتر می‌باشند بر همین اساس ابعاد ملی دینی و قومی در تکوین هویت جمعی دانش‌آموزان زاهدانی نقشه برجسته‌تری از هویت جهانی دارند.

در نهایت می‌توان گفت مسئله هویت را می‌بایست به شیوه‌های دقیق در میان اقشار مختلف اجتماعی مورد بحث قرار داد. آنچه به طور ضمنی در این مقاله مطرح شد، مسئله قشربندی به‌مثابه یک بستر هویتی است که می‌تواند بر حسب مؤلفه‌های قشربندی، صورت‌بندی‌های هویتی مختلفی را ایجاد کند. در این مقاله تأکید ما بر مقوله نوجوانی است، از این رو نوجوانی به‌عنوان یک عامل قشربندی مطرح شده بود. اما می‌توان این مباحث را در میان سایر اقشار هم در تحقیقات بعدی دنبال کرد. هرگونه سیاستگذاری برای هویت در این حوزه‌های فرهنگی مستلزم درک همه‌جانبه و جامع از هویت و معیارهای متکثر آن است.

منابع

- آزاد مرزآبادی، اسفندیار (۱۳۸۷). ارتباط بین نظام ارزشی نوجوانان و هویت ملی آنان. فصلنامه مطالعات ملی، سال نهم، شماره ۳۴، ص ۱۱۳.
- احمدی، حمید (۱۳۷۸). قومیت و قوم‌گرایی در ایران. تهران: نشر نی.
- افروغ، عماد (۱۳۸۰). هویت ایرانی. تهران: بقیه.
- پاول، هنری ماسن (۱۳۸۰). رشد شخصیت کودک. ترجمه مهشید یاسایی. نشر مرکز کتاب ماد.
- توسلی، غلام عباس و قاسمی، یارمحمد (۱۳۸۱). مناسبات قومی و رابطه آن با تحول هویت جمعی (نمونه مطالعه: ایلام)، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۴، ص ۲۵-۳.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱). هویت اجتماعی، ترجمه یاراحمدی، تهران: انتشارات شیرازه.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۷). نسبت هویت ملی با هویت قومی در میان اقوام ایرانی، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره نهم، شماره ۴۳، ص ۱۴۳-۱۶۴.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی هویت ایرانی. تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات.
- حافظنیا، محمدرضا (۱۳۹۰). سیاست دولت و مناسبات‌های بین‌قومی مورد قوم بلوچ و سیستانی، مجله برنامه‌ریزی و آمایش فضا (دانشگاه تربیت مدرس)، دوره هفدهم، شماره ۲، ص ۱-۲۱.
- دوران، بهزاد و محسنی، منوچهر (۱۳۸۶). هویت؛ رویکردها و نظریه‌ها، در کتاب مبانی نظری هویت و بحران هویت، به اهتمام علیخانی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی، چاپ دوم.
- دوران، بهزاد (۱۳۸۷). هویت اجتماعی: رویکردها و نظریه‌ها. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- شایگان، داریوش (۱۳۸۰). افسون‌زدگی جدید (هویت چهل‌تکه و تفکر سیار)، ترجمه ولبانی، تهران: نشر فروزان.
- عالمی، مسعود (۱۳۸۰). مطالعه برجستگی‌های هویت در ایران (مطالعه موردی عرب‌های خوزستان)، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- عبدالهی، محمد؛ حسین‌بر، محمدعثمان (۱۳۸۱). گرایش دانشجویان بلوچ به هویت ملی در ایران. مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۴، ص ۱۰۱-۱۲۶.
- عمید، حسن (۱۳۶۵). فرهنگ عمید، تهران: سازمان چاپ و انتشارات جاویدان.
- گودرزی، حسین (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی هویت در ایران. مؤسسه مطالعات ملی.

- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). تجدد و تشخیص، ترجمه موفقیان، تهران: نشر نی.
- معیدفر، سعید و شهلی‌بر، عبدالوهاب (۱۳۸۶). جهانی‌شدن و شکل‌گیری سیاست فرهنگی محلی: مصرف رسانه‌ای بلوچ‌های ایران و چالش‌های هویت قومی و هویت ملی. مجله مسائل اجتماعی ایران، سال پانزدهم شماره ۵۶ و ۵۷، ص ۱۷۹-۲۰۴.
- میرزایی، حسین و عباس‌زاده، محمد (۱۳۹۲). مطالعه چگونگی تعامل هویت ملی و قومی دانشجویان مطالعه موردی دانشجویان آذری، عرب و بلوچ. مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال دهم، شماره دوم، ص ۲۴۳-۲۷۵.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۱). شکل‌گیری هویتی و الگوهای محلی، ملی و جهانی (مطالعه موردی لرستان)، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۴، ص ۱۶۱-۱۲۷.
- گل‌محمدی، احمد (۱۳۸۱). جهانی‌شدن، فرهنگ، هویت. تهران: نشر نی.
- لطف‌آبادی، حسین (۱۳۸۰). روان‌شناسی رشد، نوجوانی، جوانی، بزرگسالی. تهران: سمت.
- نادری، احمد؛ روستاخیز، بهروز؛ فیاض، ابراهیم؛ حسین‌یر، محمدعثمان (۱۳۹۷). تأملی در آرایش نیروهای اجتماعی و تحول گفتمان‌های هویت قومی در بلوچستان ایران، مجله تحقیقات فرهنگی ایران، شماره ۴۳، ص ۶۹-۱۰۲.
- Adriaensens, S., Van Waes, S., & Struyf, E. (2017). *Comparing acceptance and rejection in the classroom interaction of students who stutter and their peers: A social network analysis*. Journal of fluency disorders, 52, 13-24.
- Abrams, D. and Hogg, M. A. (1988). *Comments on the motivational status of self-esteem in the social identity and inter-group discrimination*. European Journal of social psychology, No. 42, pp.152-176.
- Brown, Rupert (2000). *Social Identity theory: Past achievements, current problems and future challenges*. European Journal of Social Psychology., No.30, pp. 745-778.
- Castells, Manuel (2001). *Growing Identity Organically*. In Muller, J. Cloete, N. & Badat, S. Challenges of Globalization. CopeTown: Longman.
- Cinnirella, Macro (1997). *Toward a European identity? Intractions between the national and European social identities manifested by university students in Britain and Italy*. British Journal of Psychology., No.36, pp.19-31.
- Ezell, Elizabeth D. Seeleib-Kaiser, Martin. Tiryakian, Edward A. (2003). *National Identity Issues in the New German Elites: A Study of German University Students*. International Journal of Comparative Sociology., No.44, pp.280-308.
- Fan, Yongpeng (2008). *What makes the European identity?*. AEJ., No.6, pp.413-425.
- Frisch, J. U., Häusser, J. A., van Dick, R., & Mojzisch, A. (2014). *Making support work: The interplay between social support and social identity*. Journal of Experimental Social Psychology, 55, 154-161.
- Guegan, J., Segonds, F., Barré, J., Maranzana, N., Mantelet, F., & Buisine, S. (2017). *Social identity cues to improve creativity and identification in face-to-face and virtual*
- Glock C. Y. and Stark (1965). *The Dimensions of Religiosity: Religion and Society in Tension*. Chicago: Rand McNally.

- Gong, Li (2007). *Ethnicidentity and identification with the majority group: Relations with the national identity and selfesteem*. International Journal of Intercultural Relations., No.3, pp.503-523.
- groups. *Computers in Human Behavior*, 77, 140-147.
- Hogg, M. A., & Rinella, M. J. (2017). *Social Identities and Shared Realities*. *Current opinion in psychology*.
- Hanselman, P., Bruch, S. K., Gamoran, A., & Borman, G. D. (2014). *Threat in context: School moderation of the impact of social identity threat on racial/ethnic achievement gaps*. *Sociology of Education*, 87(2), 106-124.
- Luo, N., Zhang, M., & Qi, D. (2017). *Effects of different interactions on students' sense of community in e-learning environment*. *Computers & Education*, 115, 153-160.
- Liu, C. C., Chen, Y. C., & Tai, S. J. D. (2017). *A social network analysis on elementary student engagement in the networked creation community*. *Computers & Education*, 115, 114-125.
- Rich, Y., & Schachter, E. P. (2012). *High school identity climate and student identity development*. *Contemporary Educational Psychology*, 37(3), 218-228.
- Smaldino, P. E. (2017). *Social identity and cooperation in cultural evolution*. *Behavioural processes*.
- Topîrceanu, A. (2017). *Breaking up friendships in exams: A case study for minimizing student cheating in higher education using social network analysis*. *Computers & Education*, 115, 171-187.
- Tanti, C., Stukas, A. A., Halloran, M. J., & Foddy, M. (2011). *Social identity change: Shifts in social identity during adolescence*. *Journal of adolescence*, 34(3), 555-567.